



تأملی بر نظر اسلام در بحث تنوع طلبی؛ مدگرایی در آئینه اسلام

اسلام، نه دینی متحجر است که ژنده پوشی را با رنگ مذهب به پیروانش القا کند و نه مکتبی منحرف است که برای جمع کردن پیرو به هر ریسمان تبرجی چنگ زند. اسلام، مد را برای انسان وسیله‌ای جهت نوگرایی و خروج از بن بست روحی می‌داند.

اسلام، نه دینی متحجر است که ژنده پوشی را با رنگ مذهب به پیروانش القا کند و نه مکتبی منحرف است که برای جمع کردن پیرو به هر ریسمان تبرجی چنگ زند. اسلام، مد را برای انسان وسیله‌ای جهت نوگرایی و خروج از بن بست روحی می‌داند.

به گزارش سرویس اندیشه خبرگزاری رسا، مد به عنوان روشی موقت که بر اساس سلیقه یک جامعه در موضوعات گوناگونی چون لباس پوشیدن، نوع آداب پذیرایی، معاشرت، تزئین و معماری خانه و... شکل می‌گیرد گفته می‌شود. مدها که برداشتی از فرهنگ جمعی از افراد هستند، می‌توانند به عنوان الگوی فرهنگی برای یک جامعه مورد استفاده قرار گیرند. اگر چه عمر مدها در جامعه نسبتاً کوتاه هستند و فراموش می‌شوند، اما می‌توانند تاثیر عمیقی در فرهنگ یک ملت بگذارند.

می‌توان این گونه گفت که مد، توانایی تغییر ناگهانی سلیقه افراد یک جامعه را داشته و می‌تواند استفاده از کالایی خاص یا رفتاری منحصر به فرد را در یک جامعه جا بیندازد.

اگر کمی به ابعاد مختلف حیات بشر در طول تاریخ توجه کنیم، در می‌یابیم که پدیده‌ای به نام مد، مسئله‌ای امروزی نبوده و دارای سابقه است. هر گاه مد به عنوان عاملی برای تحول اجتماعی به شکل کاملاً آگاهانه و با حفظ شئون اسلامی و مسائل اعتقادی در دوره‌ای از تاریخ مورد استفاده قرار گرفته است، نه تنها موجب به وجود آمدن هرج و مرج فرهنگی در اجتماع نشده، بلکه توانسته عاملی برای پیشرفت اجتماعی و فرهنگی افراد جامعه شود. در مجموع می‌توان گفت که مدگرایی با رویکرد مثبت، می‌تواند پیشرفت‌های اجتماعی دیگران را برداشت کرده و در راهی مثبت مورد استفاده قرار گیرد.

مدگرایی با رویکرد صحیح خود می‌تواند کاستی‌های حیات اجتماعی را برطرف کرده و از یک نواختی زندگی انسان جلوگیری کند. اگر چه مدگرایی در جامعه امروزی ایران، به شکل منفی خود مورد استفاده قرار گرفته و همانندی با غربی‌ها را برابر با مدگرایی می‌دانند، اما انتخاب مد بر اساس دیدی تکامل یافته از فرهنگ اسلامی و ایرانی، می‌تواند پایه‌های زندگی اجتماعی را مستحکم‌تر کند. با این حال اگر چه لفظ مد و مدگرایی کل زندگی اجتماعی افراد را در بر می‌گیرد، اما در جامعه امروزی ایران، پوشاک و شیوه آرایش بانوان شاخص‌ترین موارد مد شونده محسوب می‌شوند.

اگر چه یکی از جلوه‌های کمال و زیبایی انسان به ویژه در جوانی زیبایی ظاهری است، اما زمانی که از حالت طبیعی خود خارج شود، جنبه انحرافی پیدا کرده و نه تنها مد عاملی برای پیشرفت نخواهد شد، بلکه ابزاری برای انحطاط فکری و فرهنگی اشخاص می‌شود.

خود آرایی هر چند که ریشه در کمال جویی و فطرت زیبا پسندی انسان دارد، اگر از روی افراط و تحت تاثیر نظر دیگران از مسیر طبیعی خود به مسیر غلط که همان نگاه نامحرم است خارج شود، سر از موضوعاتی چون خودپرستی، خودنمایی، خودفروشی و مدپرستی در می‌آورد. موضوعاتی که هر یک به تنهایی می‌تواند انسان را به سوی هوس‌بازی، شهوت رانی و روابط غلط کشانده و انسانی با فطرت الهی را به حیوانی پست تبدیل کند.

بر این اساس، در تفسیر ریشه مدگرایی باید این‌گونه گفت که پیروی از مد و زیبایی طلبی، ریشه در فطرت انسان داشته که نیازی چون کمال جویی منشا اصلی آن محسوب می‌شود. اما زمانی که این کمال جویی شکل افراطی به خود بگیرد، تبدیل به مدپرستی خواهد شد.

نادانی و ناآگاهی از ارزش‌های معنوی اسلامی و ایرانی، تبلیغات سوء دشمنان، خودباختگی فرهنگی و تقلید صرف و کورکورانه از جوامع دیگر و آلوده شدن به مواردی همچون خودنمایی و فخر فروشی در زیر سایه خودکم بینی، از مواردی است که سبب نابود شدن بنیان‌های فرهنگی دختران و پسران امروزی و مادران و پدران آینده خواهد شد.

در یک نگاه کلی به مدگرایی و شکل بد آن یعنی مدپرستی، می‌توان گفت وجود یا تغییر پارامترهای این عامل، ناشی از زیرساخت‌های تاریخی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است.

با توجه به این موضوع، عصر سلطنت فتحعلی شاه و ناصر الدین شاه که ایرانیان برای نخستین بار به خارج سفر کردند، تا زمان رضا شاه که بی‌حجابی را عاملی برای مدگرایی می‌دانست، فصولی مهم هر چند تلخ در تاریخ مدگرایی ایران محسوب می‌شوند.

مدگرایی و تلاش برای متفاوت بودن از آن چیزی که در گذشته وجود داشته است را می‌توان ناشی از مدرنیته دانست. مدرنیته، با نگاهی نو به انسان و جهان هستی، مولود هر چیزی است که خطی جداکننده میان گذشته و امروز است. در واقع برداشتی از زندگی در اکنون و فراموش گذشته بوده و شدیداً با سنت در تقابل است.

مدرنیته به عنوان شکل عینی فرهنگ مدرن، همواره خود را در ستیز با کهنگی، سنت و هنجارهای گذشته دانسته و در تلاش برای نوآوری در فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی است. بر این اساس مدگرایی بزرگترین ویژگی مدرنیسم شناخته می‌شود. غرب به عنوان خاستگاه و مظهر مدرنیسم و مدرنیته، سعی می‌کند تا جایی که می‌تواند مدها و طرح‌های خود را به دیگر فرهنگ‌ها اشاعه دهد. در واقع غرب گرایی با مدگرایی رابطه تنگاتنگ علت و معلولی دارند.

نقش خانواده در گرایش فرزندان به مدگرایی

زمانی که مدهای غربی در بین جوانان جامعه پررنگ‌تر شد، خانواده ناآگاه ایرانی، مدرسه، دانشگاه و جامعه را عامل اصلی تغییر نگرش فرزندان دانست و معتقد بود که متولیان فرهنگی باید مدلی شایسته و سازگار با جامعه اسلامی ارائه دهند. آن‌ها نقش اساسی خانواده را بی‌تاثیر دانسته و جامعه را عاملی برای انحطاط فرهنگی جوانان برشمردند. اما سوءاستفاده از ابزارهایی چون اینترنت، شبکه‌های اجتماعی، ماهواره و روابط ناسالم درون خانواده‌ها را می‌توان مهمترین دلیل مدیرستی و مدگرایی دانست.

دلایل گرایش جوانان به مدگرایی

1. تنوع طلبی و زیبایی گرایی

جوانی، دروازه نو برای ورود انسان به جهان رنگارنگ و پرشور زندگی است که لذاپذ و غرایز نقش محوری را برای انحراف جوان بر عهده دارد. تنوع طلبی و هیجان خواهی همراه با دوری از نظرات گذشته، از مهمترین خصوصیات جوانی به شمار می‌آید. جوان با شکست قالب کودکی، شدیداً تمایل به امروزی شدن و نو گرایی دارد. فاصله گرفتن از روابط خانوادگی و نزدیکی به محفل دوستان، سبب به وجود آمدن سلسله رفتارها با نمود بیرونی می‌شود که به صورت مدگرایی ظاهری خود را نشان می‌دهد.

2. شبیه سازی و مدگرایی

شبیه سازی مقوله ای است که در بین جوانان امروزی به وفور قابل مشاهده است. طی فرآیند شبیه سازی، فرد ویژگی‌های ظاهری یا فکری دیگری را برای خود الگو قرار داده و با برداشتی عین به عین از ویژگی‌های شخصیت دیگر، احساس می‌کند توانایی و قدرت لازم برای کارهای مشابه را دارد.

والدین، مهمترین عامل شبیه سازی افراد در دوران کودکی هستند. در حالی که بی تفاوتی والدین درباره انتخاب الگو برای فرزندان عاملی برای این می‌شود که شباهت‌گزینی در کودک نهادیه شود، در ادامه و در فرآیند نوجوانی و سپس جوانی، کنترل الگوهایی که فرد خود را به آن شبیه می‌کند دیگر از دست والدین بر نخواهد آمد.

از شخصیت‌هایی که امروزه به عنوان مد بین ادوار مختلف شناخته می‌شود، می‌توان به بتمن و اسپایدرمن در دوران کودکی، داستان‌های تخیلی همراه با بازیکنان ورزشی در دوره نوجوانی و هنرپیشه‌ها، نوازندگان و آوازه‌خوان‌ها در دوره جوانی نام برد. افراد در هر دوره تلاش می‌کنند شبیه به الگوها شوند و یا شبیه به آن رفتار کنند.

3. رقابت با دیگران

خود برتر بینی به عنوان مهمترین عامل گرایش به مد شناخته می‌شود. رقابت و چشم و هم چشمی در جامعه امروزی در هر زمینه‌ای به چشم می‌خورد؛ اما رقابت در مد، اگر در جهت مثبت خود استفاده نشود و سبب تکامل معنوی افراد نشود، نه تنها جوان‌ها را با مشکل مواجه می‌کند، بلکه می‌تواند بنیان‌های خانواده اسلامی را نیز نابود سازد. رقابت در مدگرایی با رویکرد مادی و جاه طلبی، سرانجام به مدیرستی و خودبینی خواهد رسید که بی شک سرانجام خوبی نخواهد داشت.

4. مدگرایی و التزام دوستان

بارها دیده شده است که شخصی در خانواده مذهبی و اصیل رشد کرده، اما روحیات و خلقیات ظاهری‌اش با دیگر اعضای خانواده تفاوت دارد. اگر موضوع شخصیت درونی هر فرد را کنار بگذاریم، مشکل اساسی گروه عظیمی از نوجوان‌ها و جوان‌ها، ترس از مجازات از سوی دوستان‌شان است. تحقیر، تمسخر، پوزخند زدن، ترد کردن و متلک گفتن دوستان، عواملی است برای آن که شخص خواسته و ناخواسته به سوی مدهای رایج و غالباً در تقابل با شخصیت درونی‌اش کشیده شود.

5. جلب توجه دیگران با پوششی از مدهای روز به روز

شاید بتوان گفت بزرگترین مشکل جامعه امروزی ایران، اجتماعی است که خانواده نمی‌تواند به راحتی فرزندش را وارد کوچه و خیابان کند. با آن که مدگرایی در وهله اول موضوع مثبتی است، اما برخی از این چاقوی دو لبه برای جلب نظر دیگران به بدترین روش ممکن استفاده می‌کنند. لباس‌های براق و چسبناک، جوراب‌های بدن نما، کفش‌های پاشنه بلند، آرایش‌های غلیظ و غیرطبیعی، هیچ یک با فرهنگ و مد اسلامی و ایرانی هماهنگ نیست؛ اما برخی برای جلب توجه دیگران در اجتماع، از آن استفاده می‌کنند.

6. تشخیص طلبی در سایه مدگرایی

یکی دیگر از عوامل پیدایش مد در بین افراد تشخیص طلبی است. افرادی که خود را از قشر مرفه جامعه می‌دانند، تلاش می‌کنند با نمایش راه و مرکب‌های راهوارشان خود را متفاوت از دیگران نشان دهند.

ثروتمندان و ثروتمندنمایان، همواره در پی مدهای جدید در حال تغییر مد هستند؛ چرا که حس می‌کنند مدهای قدیمی نمی‌تواند آن‌ها را باقی افراد جامعه متمایز کند.

در مجموع، مدگرایی مسابقه‌ای بی‌خط پایان است. مصرف گرایی و اسراف‌گزینی عواملی هستند برای غرق شدن فرد در مد و مدیرستی. شخص باید هر روز در قالب جدیدی قرار گیرد تا از رقابت عقب نماند. این تلاش آن چنان بی‌فایده است که در پایان به نهلیسیم و پوچی می‌انجامد. مواردی که غرب اکنون به آن دچار شده است.

اما آیا تنها مقصر انحراف در مدگرایی افراد خانواده و اجتماع است؟ بی شک نه. رسانه‌ها و پایگاه‌های فعال اینترنتی، روزانه مدهای جدید را حتی اگر با فرهنگ اسلامی و ایرانی منطبق نباشد، تبلیغ می‌کند. در حقیقت امروز گرایش به مد، حاصل تفکر سرمایه داران و تولید کنندگان جهان است که می‌خواهند کالاهای خود را به دنیا عرضه کنند و از حس لذت جویی و طمع انسان به شدت استفاده کرده و به سود خود دست پیدا کنند. ترویج مصرف گرایی، فردگرایی و اسراف همان رخنه فرهنگی است که اشخاصی که منافع خود را با ارزش‌های اسلامی در تضاد می‌بینند ایجاد می‌کنند.

اسلام و مدگرایی

با همه ایراداتی که بر مد و مدگرایی امروزی جامعه ایرانی وارد است، اما مد همچون چاقوی دو لبه می‌تواند سبب نجات یک جامعه شود. اسلام، به موضوع زیبایی، این گونه پرداخته است: «ان الله جمیلٌ یحبُّ الجمال» (1) در کتب حدیثی نیز درباره توجه به ظاهر سخنانی به میان آمده است. همچنین در کتاب نکاح در فقه نیز آمده که مرد و زن باید برای یک دیگر خود را بیارایند.

نگاه اسلام به مد نگاهی بسته و عقب مانده نبوده و می‌توان پویایی اسلام را به وضوح در این مقوله دید. بر خلاف تفکر غالب که می‌گوید اسلام دین متحجر و عقب مانده است، اما در اسلام گذاشتن موی سر برای جوانان مستحب است.

مرتب بودن و آراستن پوشاک در اسلام دارای سابقه بوده است. پیامبر اکرم (ص) زمانی که می‌خواستند نزد یارانشان بروند، برای آراستن موی و لباس خود به ظرف آب می‌نگریستند. این امر نشان دهنده آن است که آراستیدن سر و لباس در شرع اسلام پذیرفته شده است. چیزی که اسلام آن را رد می‌کند، تبرج و فساد از این طریق است (2).

اسلام زمانی مهر تایید را بر زیبایی خواهی و تنوع طلبی می‌زند که هم ردیف با حفظ کرامت انسانی، عفت اجتماعی، دوری از تجمل

گرایی و آرامش و آسایش دنیا و آخرت شود.

با تدبر در آیات و روایات، در می یابیم که رسالت اسلام به عنوان کامل‌ترین دین الهی، پاسخگوی تمام مسائل انسان در هر دوره ای است. مد و زینت یکی از این قبیل مسائل است. در معارف اسلامی چند اصل کلی درباره خودآرایی و زیبایی وجود دارد:

1. حس زیبایی طلبی یکی از مهمترین ویژگی های آدمی است که در نهاد او ریشه دارد و به خاطر این موضوع، از دیدن زیبایی لذت می برد. بی شک وجود دست آوردهای هنری و زیبایی شناختی هر دوره تاریخی اسلام نیز از همین موضوع نشأت می گیرد.

بر این اساس، زیبایی شناسی از جمله نعمت هایی که است خداوند در وجود انسان قرار داده تا از طریق آن به ظرافت‌های نظام زیبای آفرینش تامل کند.

2. پرهیز از خودآرایی و ژولیدگی با نهاد و فطرت انسان که زیبایی است، در تضاد است. پرهیزانی ظاهری به تدریج اثرات سوء خود را بر روان به جای می گذارد که این موضوع سرانجام سبب افسردگی، عدم تعادل روانی، بی توجهی به رحمت‌های الهی و سرکوب علایق فطری می شود؛ به دلیل آن که این ژولیدگی ظاهری سبب ایجاد زیان‌های جبران ناپذیری می شود، در احکام دین اسلام، راه‌های مقابله با آن گفته شده است. اولیای الهی، همواره با این منطق اشتباه که پرهیز از خودآرایی دلیل بر دینداری است برخورد می کردند؛ چرا که این موضوع با عزت نفس و کرامت انسانی منطبق نبوده و موجب نفرت دیگران از شخص می شود.

امام علی(ع) در این باره می فرماید: «التجمل من اخلاق المؤمنین؛ خود آرایی از ویژگی های خاص انسان های مومن است.»(3)

3. با آنکه اسلام به خودآرایی توصیه می کند، اما هرگز زینت را منحصر به ظواهر انسانی نمی داند. آراستگی باطنی و اخلاقی را مهم‌تر از آراستگی ظاهری می‌داند. در واقع اسلام با تعالیم خود، سعی می کند تا با ایجاد اعتدال در اخلاق، پیروانش را از گرفتار شدن در گرداب ظواهر دنیوی دور کند. امام علی(ع) می فرماید: «زينة البواطن اجمل من زينة الظواهر؛ زینت درونی از زینت ظاهر بسیار زیباتر است.»(4)

4. افزون بر آنکه اسلام به زیبایی طلبی تاکید کرده است، اما به خاطر امکان به وجود آمدن افراط و تفریط در مدگرایی، چارچوب و حدود معینی را برای آن تعیین کرده است. حدودی از قبیل اینکه وسیله خودآرایی باید حلال باشد، سبب اسراف در سرمایه نشود، بایستی از راه مشروع تهیه شود، موجبات تحریک هواهای نفسانی و امیال جنسی دیگران را فراهم نکند، از خود نمایی پرهیز شود و تقلید کورکورانه از دیگران نباشد. در واقع اسلام نه تنها خودآرایی را منع نمی کند، بلکه شکل منطقی و به اندازه آن را نیز می پسندد.

5. انسان بر پایه تنوع طلبی‌ای که خداوند در نهاد او قرار داده، همواره طالب نوآوری بوده و دائماً در حال تغییر و تحول است. این ویژگی انسان سبب می گردد او به مراتبی از حقیقت رسیده و کشفیاتی را به دست آورد. این موضوع است که پیروی انسان از مد را به ویژه در جنبه زیبایی طلبی و کمال جویی جزئی جدا ناشدنی از او دانست.

متغیرهای تاثیر گذار بر مد از نظر اسلام

از دیدگاه دین اسلام پنج متغیر در شکل گیری و تغییر پوشش و آرایش افراد تاثیر گذار است.

1. زمان

شرایط اقتصادی و فرهنگی جامعه بر اساس مقتضیات مختلف زمان تغییر کرده و این موضوع سببی برای طرح نوآوری در عرصه بافت پوشاک یا نحوه آراستن صورت می شود. به شکلی که در گذر زمان هر دوره ای پوشش مختص به خود را دارد.

امام صادق(ع) در این باره می فرماید: «خَيْرُ لِبَاسٍ كُلِّ زَمَانٍ لِبَاسُ أَهْلِهِ؛ بهترین لباس هر زمان، لباس اهل آن زمان است.»(5)

2. موقعیت فردی

محیط اجتماعی در نحوه پوشش و آرایش افراد تاثیرگذار است. پوشش شخصی که در کنار همسرش است، با زمانی که در اجتماعی از نامحرمان قرار دارد متفاوت خواهد بود.

اسلام به دلیل مستحکم کردن پایه های خانواده برای موقعیت فردی زن و شوهر در کنار یکدیگر، هیچ گونه محدودیت قائل نشده و به آن ها توصیه می کند. در کنار یکدیگر از بهترین لوازم زینتی و آرایشی استفاده کنند. رسول خدا(ص) در این باره فرموده اند: «عَلَيْهَا أَنْ تَطِيبَ بِأَطْيَبِ طَبِيبٍ وَ تَلْبَسَ أَحْسَنَ ثِيَابِهَا وَ تَزَيَّنَ بِأَحْسَنِ زِينَتِهَا وَ تَعْرِضَ نَفْسَهَا عَلَيْهِ عَدْوَةً وَ عَشِيَّةً؛ بر زن لازم است خود را خوشبو کند، بهترین لباس هایش را بپوشد، به بهترین وجه زینت کند و با چنین وضعی صبح و شب با شوهرش ملاقات نماید.»(6)

3. موقعیت اجتماعی

یکی دیگر از متغیرهای مهم در پوشش افراد که در اسلام از آن سخن به میان آمده است، شأن اجتماعی افراد در جامعه است. اسلام پوشیدن لباس های مرغوبی که در خور جایگاه اجتماعی افراد باشد را مجاز می داند. در روایتی نقل شده که یکی از یاران امام صادق(ع) به نام معاویه بن وهب به ایشان عرض می کند: گاهی انسان در قسمتی از عمرش ثروتمند است و لباس و سر و وضع او اعیانی است، بعداً ثروتش از دست می‌رود و وضعیت عوض می‌گردد و از شماتت دشمن رنج می‌برد، به همین دلیل برای خرید لباس که خود را بیاراید، خویشتن را به مشقت می‌افکند. امام(ع) این آیه را تلاوت فرمود: «لِيُثَبِّتَ دُونَ سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَ مَنْ قَدِرَ عَلَيْهِ رَزَقُهُ فَلْيَتَّقِ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ» سپس فرمود: (این فرد) بنا به مقدار حال و روز خود خرج نماید.(7)

4. سن

بی شک یکی از مهم ترین عناصر مد گرایی، سن افراد است؛ چرا که خواهرهای فطری خودآرایی و زیبایی طلبی در سنین متفاوت تغییر می کند. میل به تجمل گرایی در دوران نوجوانی شدت گرفته و در جوانی به اوج خود می رسد. ائمه اطهار(ع) نیز از تمایل جوان به خودآرایی حمایت می کردند. حضرت علی(ع) زمانی که با قنبر، غلام جوانش به برای خرید لباس به بازار رفته بود، لباس بهتر را به او داد و این گونه او را شادمان کرد. ایشان خطاب به او فرمود: تو جوانی و مانند سایر جوانان به تجمل و زیبایی رغبت بسیار داری.(8)

5. عرف

در مبحث مدگرایی همواره این موضوع را باید مورد نظر قرار داد که پوشش و آرایش باید با عرف جامعه هماهنگ باشد. امام صادق(ع) به یکی از یاران خود به نام عبید بن زیاد فرمودند: «إِظْهَارُ التَّعَمُّةِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنْ صِيَابَتِهَا فَإِذَا كَانَ فِي أَحْسَنِ زِيٍّ قَوْمِكَ قَالَ فَمَا زَيَّيْتُ عَبْدِي إِلَّا فِي أَحْسَنِ زِيٍّ قَوْمِهِ حَتَّى مَاتَ؛ آشکار کردن نعمت را خدا بیش از (پنهان) نگاه داشتن آن دوست می‌دارد، پس جز این مباد که با بهترین شکل آرایش مرسوم قوم خویش خود را بیارایی.» (راوی حدیث) می‌گوید: عبید، از آن پس تا زمان مرگ خود جز با بهترین شکل و لباس در میان قوم خویش ظاهر نشد.

بر این اساس پوشیدن لباس هایی که در جامعه معمول نبوده و خلاف شأن افراد است، به دلیل جلب توجه و انگشت نما شدن منع شده است. به این گونه لباس ها که موجب خود بزرگ بینی، حقارت، ایجاد ضعف شخصیت، هتک حرمت و خواری مسلمانان می شود، لباس شهرت می گویند.

امام صادق(ع) می فرماید: «كَفَى بِالْمَرْءِ خِرْيًا أَنْ يَلْبَسَ ثَوْبًا يَشْهَرُهُ؛ برای انسان از نشانه های خفت و خواری، همین بس که لباسی

بیوشد که به آن مشهور شود.»(9)

6. مطابقت پوشش و آرایش با جنسیت

پوشش و آرایش هر شخصی معرف شخصیت اوست. پس اگر مردی لباس زنانه بیوشد یا زنی از پوشاک مردانه استفاده کند، نه تنها شخصیتش را زیر سوال می برد، بلکه از جامعه نیز ترد خواهد شد. رسول اکرم(ع) مردانی که لباس زنان و زنانی که لباس مردان را می پوشند، دور از رحمت خدا می خواند. در روایات دیگر نیز نقل شده که خداوند و پیامبرش(ص) کسانی که خود را شبیه به جنس مخالف در می آورند، لعنت و نفرین می کنند.

امام باقر علیه السلام فرمود: «لَا يَجُوزُ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَتَشَبَّهَ بِالرِّجَالِ لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ(ص) لَعَنَ الْمُتَشَبِّهِينَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ وَلَعَنَ الْمُتَشَبِّهَاتِ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ؛ رسول خدا(ص) به مردانی که خود را همانند زنان بیارایند و رفتار زنانه ای داشته باشند، و زنانی که خود را به شکل مردان در آورند، لعنت فرستاد.»(10)

در روایتی از حضرت محمد(ص) آمده است که: «أَرْبَعُ لَعْنَتُهُمُ اللَّهُ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ... الْمَرْأَةُ تَتَشَبَّهُ بِالرِّجَالِ وَ قَدْ خَلَقَهَا اللَّهُ أُنْثَى؛ چهار گروه را خدا از رحمت خویش دور کرده است و خدا و رسولش و ملائکه بر آنان لعن می فرستند...؛ یکی از این گروه ها زنانی هستند که خود را شبیه مردان می کنند.»(11)

7. رعایت عفاف و حیا

دین اسلام در مورد نوع پوشش همسران همان گونه که توضیح آن رفت، هیچ گونه محدودیتی قائل نشده است؛ اما نسبت به نوع پوشش و آرایش زنان و مردان در برابر نامحرمان، مهمترین اصل را عفاف و حجاب می داند. بر این اساس، هر نوع پوشش و آرایش که در مغایرت با عفاف بوده و سبب تحریک احساسات و لذایذ غریزی جامعه شود را منع می کند. لباس های بدن نما، تنگ و حجاب هایی که پوشش کافی برای اعضای بدن ندارند، از موارد تبریج به حساب می آیند. در مقابل این نظر اسلام، برخی روشن فکر مآبان به این نظرند که اسلام در این مورد متحجرانه رفتار می کند؛ اما در پاسخ به این افراد باید گفت که اشخاص در فعالیت های اجتماعی و برخورد با نامحرمان، بیش از هر چیز بایستی با جنبه های انسانی خود و نه خوی حیوانی و شهوانی شان ظاهر شود.

8. پرهیز از تشبه به کفار

الگوی مسلم دیگر در انتخاب پوشش و آرایش آن است که می بایست بر اساس جامعه اسلامی بوده و از فرهنگ هایی که غالباً کفرآمیز هستند برداشت نشوند.

روایتی که در آن فرموده اند: «أَوْحَى اللَّهُ إِلَى نَبِيِّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ أَنْ قُلْ لِقَوْمِكَ لَا تَلْبَسُوا لِبَاسَ أَعْدَائِي وَ لَا تَطْعَمُوا مَطَاعِمَ أَعْدَائِي وَ لَا تَشَاكِلُوا بِمَا شَاكَلَ أَعْدَائِي فَتَكُونُوا أَعْدَائِي كَمَا هُمْ أَعْدَائِي؛ خداوند به یکی از پیامبران وحی فرمود که: به قومت بگو، لباس دشمنان مرا نپوشند و غذای دشمنان مرا نخورند و خود را به شکل دشمنان من در نیاورند(یعنی به شکل مشرکین و کفار). چون اگر این کار را بکنند، آنها هم دشمنان من هستند. همان طوری که آن کفار و مشرکین دشمن من هستند.»

همچنین پیامبر خدا(ص) فرمود: «من تشبه بقوم فهو منهم؛ هر که به گروهی تشبه جوید، از آنهاست.»(12)

مدگرایی از منظر آیت الله خامنه ای

اصل گرایی به زیبایی و زیباسازی و زیبادوستی، یک امر فطری است. البته این شاید با مقوله نوگرایی مقداری تفاوت کند. نوگرایی امر عام تری است. این مسأله آرایش و لباس و چیزهایی که شما گفتید، مقوله خاصی است که انسان به خصوص جوان از زیبایی و زیباسازی خوشش می آید و دلش می خواهد که خودش هم زیبا باشد. این عیبی هم ندارد؛ یک امر طبیعی و قهری است؛ در اسلام هم منع نشده است. آن چیزی که منع شده، فتنه و فساد است.

در مجموع، اسلام، نه دینی متحجر است که زنده پوشی را با رنگ مذهب به پیروانش القا کند و نه مکتبی منحرف است که برای جمع کردن پیرو به هر ریسمان تبریجی چنگ زند. اسلام، مد را برای انسان وسیله ای جهت نوگرایی و خروج از بن بست روحی مشکلات روز دانسته و خط قرمزش را نزدیکی به فساد اعلام می کند.

9466/702/ر

سارا دانیالی

منابع:

1. فروغ کافی، ج 6، ص 438.
2. اردوبادی احمد صبور، آیین بهزیستی در اسلام، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۷ ش، اول ص 74.
3. شرح غرر و درر آمدی، ج 1، ص 307، حدیث 1175
4. همان، ج 4، ص 117، حدیث 5503
5. وسائل الشیعه ج 5 ص 8
6. همان، ج 14، ص 211
7. شجاعی محمدصادق، جوانان و مدگرایی، حدیث زندگی، شماره ۱۳، مهر و آبان ۱۳۸۲
8. نگارش حمید، هویت دینی و انقطاع فرهنگی، نمایندگی ولی فقیه در سپاه، اول، ۱۳۸۰ ش
9. بحارالانوار، ج 78، ص 252
10. همان، ج 103، ص 208.
11. سید تقی طباطبایی قمی، عمدة المطالب فی التعلیق علی المکاسب.
12. نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه وآله)، ص 737.